فرهنگ قرآنى

مطالب اين بخش حاوى پاسخ به يك پرسش قرآنى است كه از ستاد نشر رسانه‏اى مركز فرهنگ و معارف قرآن اخذ شده است.

دلايل عدم تحريف قرآن كدامند؟ و به چه علت بعضى از مسيحيان و زرتشتيان مى‏گويند: قرآن تحريف شده است؟

تحريف، به معنى تغيير حروف و كلمات، يا تغيير معانى قرآن، بر دو قسم است: تحريف لفظى، تحريف معنوى. تحريف لفظى، يعنى تغيير دادن الفاظ با كاستن يا افزودن كلمات قرآن و تحريف معنوى به معنى تفسير به رأى قرآن است.

تحريف لفظى خود بر دو قسم است: 1. افزودن بر آيات 2. كاستن از آيات. هيچ يك از مسلمانان، قائل به تحريف لفظى به معنى افزودن بر آيات و كلمات قرآن نيستند و شيعه و سنى آن را انكار مى‏كنند. آن چه مورد بحث واقع شده، تحريف به معنى كاستن از آيات است. در مورد عدم تحريف قرآن، دلايل فراوانى وجود دارد كه به برخى از آن‏ها اشاره مى‏كنيم:

الف) دليل عقلى: بشر به تنهايى و با استفاده از عقل و علم خود قادر نيست به كمال نهايى - كه غايت آفرينش است - برسد، پس لازم است از باب حكمت و يا لطف الهى، راهى تضمين شده وجود داشته باشد تا فلسفه آفرينش تحقق يابد و نقض غرض نشود. از طرفى، با امكان تحريف قرآن - كه تنها سند آسمانى تأمين سعادت و كمال بشر است - ديگر راه تضمين شده‏اى باقى نخواهد ماند. پس حكمت و لطف الهى اقتضا دارد كه قرآن به طور سالم و دست نخورده در دسترس انسان‏ها قرار گيرد، تا آن‏ها بتوانند براى پيمودن راه سعادت دنيا و آخرت خود از آن بهره گيرند.

ب) دليل قرآنى: يكى از آيات قرآن كه بر عدم تحريف قرآن دلالت دارد، آيه نه سوره حجر است كه مى‏فرمايد: «إنّا نحنُ نزّلنا الذِّكر و إنّا لَه لَحافظون»؛ ما قرآن را فرو فرستاديم و خود، از آن نگه دارى و محافظت مى‏كنيم.

با توجه به اين آيه مى‏گوييم: 1- خداوند حفظ قرآن را بر عهده گرفته و آن را تضمين كرده است. 2- آن چه را خداوند محافظت كند، محال است مورد دستبرد و تحريف (كم يا زياد شدن) قرار گيرد. نتيجه: پس محال است قرآن مورد تحريف قرار گيرد.(1)

ج) دليل روايى: روايات دال بر مصونيت قرآن از تحريف فراوان است. يكى از آن‏ها، حديث معروف ثقلين است كه شيعه و اهل سنت آن را به صورت متواتر از پيامبر نقل كرده‏اند. در اين حديث آمده است: قرآن و اهل بيت (عليهم‏السلام) دو گوهر گران سنگند و مادام كه امت اسلام به آن دو چنگ زنند، هرگز گمراه نخواهند شد. اين دو، از هم جدا نمى‏گردند تا آن كه در حوض (قيامت) بر من وارد شوند.

اين حديث، با صراحت اعلام مى‏كند كه قرآن براى هميشه و تا روز قيامت محفوظ است؛ زيرا اگر تحريف شده باشد، چنگ زدن به آن نه تنها انسان را هدايت نمى‏كند، بلكه باعث گمراهى او نيز مى‏شود، و اين، با كلام پيامبر در اين حديث و همچنين احاديثى كه در حوادث و جريان‏هاى فكرى و اجتماعى و... براى بازشناسى حق از باطل، ما را به قرآن ارجاع داده‏اند، و قرآن را پناهگاهى مطمئن معرفى كرده‏اند، منافات دارد.(2)

د) شواهد تاريخى: در طول تاريخ، شواهدى وجود دارد كه قرآن سالم مانده و تحريف نشده است. بعضى از اين شواهد عبارتند از: علاقه زياد عرب به قرآن به دليل فصاحت و بلاغت و آهنگ معجزه آساى آن؛ انس فراوان مسلمانان با قرآن و حفظ و تلاوت آن در زمان پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) و بعد از ايشان، تقدس قرآن نزد مسلمانان و حساس بودن آنان به هرگونه تغيير در آن؛ دستورها و توصيه‏هاى ويژه پيامبر اسلام (صلى‏الله‏عليه‏وآله) در مورد تلاوت، نوشتن، حفظ و جمع آورى قرآن؛ تهيه كردن نسخه‏هاى متعدد از قرآن و فرستادن به كشورهاى اسلامى و...، همه و همه شاهدى بر سالم ماندن قرآن و خدشه دار نشدن از سوى دشمنان است. مگر ممكن است قرآن تحريف شده باشد، ولى على‏بن‏ابى‏طالب و امامان معصوم(عليهم‏السلام) و بعد از آن‏ها، علماى اسلام - كه حافظ و مبيّن قرآن بوده‏اند - ساكت نشسته و چيزى نگفته باشند؟ حتى يك مورد هم ثابت نشده كه امامان معصوم (عليهم‏السلام) مثلاً گفته باشند كه اين مورد از قرآن تحريف شده است.(3) بنابراين، با وجود دلايلى كه ذكر شد و دليل‏هاى ديگر، قرآن هرگز دستخوش تحريف نشده و نخواهد شد.

قول به تحريف قرآن، كه از سوى برخى مطرح شده، به خاطر وجود رواياتى است كه با تأمل در آن‏ها روشن مى‏شود. آن چه در متن اضافه شده، تفسير يا تأويل قرآن است - چنان كه در زمان ما نيز در توضيح و تفسير گفتار انديشمندان در ضمن نوشته آنان، مطلبى - داخل قلاب ] [ - اضافه مى‏شود، ولى تحريف گفتار آنان محسوب نمى‏شود.

روايات ديگرى نيز وجود دارد كه در تحريف قرآن صراحت دارند، ولى آن‏ها جعلى بوده و از جهت سند ضعيف و غير معتبرند و تمسّك به آن‏ها جايز نيست. شاهد مهم برعدم اعتبار اين روايات، اختلاف و تناقض آن‏ها با يكديگر است و همين، براى عدم اعتبار آن‏ها كافى است.(4) از ديگر وجوه عدم اعتبار اين دسته از روايات، اين است كه بسيارى از آن‏ها را شخصى به نام «احمد بن محمد الميسارى» نقل مى‏كند كه رجالى‏ها بر جاعل و كاذب بودنشان اتفاق نظر دارند.(5)

از آن جا كه به شهادت قطعى تاريخ، انجيل و تورات تحريف شده‏اند، مسيحيان و ساير فرقه‏ها و به خصوص يهوديان براى آن كه بتوانند قرآن را نيز تحريف شده جلوه دهند، به اين روايات ضعيف تمسك مى‏جويند. البته علماى راستين مسلمان - اعم از شيعه و اهل سنت - تمام اين روايات را بررسى كرده، بدان‏ها جواب داده‏اند. كه براى آگاهى بيشتر به منابعى كه در پى‏نوشت آمده است، مراجعه كنيد.

پى‏نوشت‏ها:

1) جهت آگاهى بيشتر، به مصباح يزدى، كتاب قرآن‏شناسى، ج 1، ص 222، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى (ره) و علامه طباطبايى، الميزان، ج 12، ص 101، طبع بيروت، ذيل آيه مذكور مراجعه كنيد.

2) همان، قرآن‏شناسى، ص 217 و محمد هادى معرفت، مصونيت قرآن از تحريف، ترجمه محمد شهرابى، ص 45، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى و الميزان، همان، ص‏107.

3) همان، قرآن‏شناسى، ص 215 و حسين جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنى، ص 322، دفتر تبليغات اسلامى و... .

4) علامه طباطبايى، الميزان.

5) ر.ك: فاضل لنكرانى، المدخل فى التفسير، ص 289، چاپ اول.